

منظومه

«رسم انتظار»

منظومه ۳۱۳ در هفت آسمان

نیمه شب ۲۵ ذی القعدة ۱۴۴۰ (۱۳۹۸/۵/۶ ش) در خانه خدا در جایی مشرف به حجر اسماعیل و مقام ابراهیم و درب خانه خدا نشسته بودم. شبی سبک و حالی خوش و بیاد ماندنی بود. با اهل کاروان تازه دعا را تمام کرده بودیم که زمزمه‌هایی در من شکل گرفت، چند شبی بود که این احساس در من زنده شده بود. از قبل با خودم قلم و کاغذی برده بودم و همچون ابرهایی که کم کم متراکم می‌شد در انتظار عنایت و بارشی بودم. نگاهم مسحور عظمت خانه خدا و طواف حاجیان بود که زمزمه‌هایی آغاز شد، زمزمه‌هایی که هم چون قطرات باران نشان از یک بارش می‌داد و این منظومه را در هفت فراز مرتبط با هم شکل داد:

داستان از عظمت خانه خدا و رمز و راز برخی اعمال حج شروع می‌شود (یک)؛ نگاهم به تکیه‌گاه امام زمان عجل الله فرجه و دیواره کعبه و جایگاه ظهور حضرت و فریاد دعوت او می‌افتد و این که چرا غایب است و سرّ آن چیست؟ و تکلیف ما کدام است؟ و پاسخ مختصر این که تکلیف ما انتظار است (دو)؛ اما انتظار چیست و حقیقت آن کدام است؟ انتظار نه انفعال است و نه احتراز و نه حتی اعتراض؛ چون اعتراض بدون یک افق چشم‌انداز و وضعیت مطلوب که متناسب با اندازه‌های وجودی و عظمت انسان باشد، به همراه حاکمی آگاه به همه عوالم و هستی (امام معصوم) انتظار نیست؛ انتظار زمینه‌سازی و آمادگی است و حقیقت آن تربیت نیرو و سازندگی است. انتظار به این معنا عمل است و بهترین عمل، جهاد است و برترین جهاد (سه)؛

کار به همین جا خاتمه نمی‌یابد و باید تصویری از مصدایق و نمونه‌های عینی انتظار؛ یعنی منتظران ارائه کرد؛ منتظران و زمینه‌سازان حاکمیت جهانی امام مهدی عجل الله فرجه در وهله اول پیامبر ص و دوازده وصی او یعنی ائمه معصومین ع هستند (چهار)؛

تا عصر غیبت امام دوازدهم علیه السلام که در این عصر با نواب خاص (عصر غیبت صغری) به مدت ۷۰ سال و پس از آن تا امروز ما (عصر غیبت کبری یا نیابت عامه) که در آن فقها به عنوان نمایان امام عصر علیه السلام رسالت سنگین تری دارند و با شکل گیری حوزه‌ها، انتظار و نیروسازی وارد مرحله جدیدی می‌شود (پنج)؛

تا با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام انتظار و آرزوی دیرینه همه انبیاء و اولیاء به ثمرنشست و با تشکیل حکومت دینی، کارآمدی دین و نظام در بوتۀ آزمون سربلند بیرون آمد و در برابر دشمن داخلی و تهاجم خارجی خوش درخشید (شش)؛

در فراز پایانی منتظر با شیعه پیوند می‌خورد چون در حقیقت ویژگی‌های منتظر راستین و تام و تمام همان ویژگی‌های شیعه است؛ گرچه ما کلمات را کیلویی و خرواری می‌کشیم اما در ادبیات دینی و روایات ما شیعه جایگاه بلندی دارد. شیعیان راستین عبارتند از: سلمان، مقداد، مالک، ابوذر، امام راحل و... (هفتم).
در نهایت منظومه با ۳۱۳ بیت در هفت آسمان یا شوط (یک طواف) به پایان می‌رسد.

۱ □ شکوه کعبه

ای نشان بندگی ای همچو کوه
جمله عالم به گردت در طواف
محوری بر آسمان و برفلک
صورتی باشد از آن عرش برین
هست نورش شب‌نمی از آن جمال
بیعتی از عمق ایمان با یقین
نور توحید از ولایت منجلی است
خارج از این دو ضلال است و ظلام^۱
عرصه طوف ملائک با سروش
لیک از عشقت چشیدم نوش نوش
لا شریک له نشان کوی تو
در طواف عشق حیران تواند
صید تو گشتند در دام بلا

ای فروغ سادگی ای پرشکوه
کوه تا عرش برینی بی‌گزاف
از جماد و از نبات و از ملک
خلق عالم دور تو همچون نگین
این همه فرّ، پرتوی از ذوالجلال
این حَجَرَنه، دست آله در زمین
مستجارش یادگاری از علی است
طوف ما مابین رکن است و مقام
ای شکوهت برده از ما عقل و هوش
گرچه از جان در ربودی دوش هوش
پرتو توحید در هرسوی تو
این همه مستان که مستان تُواند
مست از جام الستند و بلی

زمزم و سعی و صفا و هرولسه

۲ □ بی حضور مهدی این خانه تهی است

هر دو چشمم خیره بر دیوار تو
و آن ندایی که منم صاحب زمان
أقسم بالله و البیت العتیق
چشم بینا کن توبه جان جهان
یا رب آخر حجت آخر کجاست؟
گرچه غیبت سرتی از سر خداست
گرچه غیبت حفظ حجت را سزااست
مرد ره بودیم اگر، غیبت چرا؟
توبه توبه ای خدای مهربان
عهد می بندیم تا ما زنده ایم
ایها الرحمان! خدای مهربان
غیبت او نقل خورشید است و ابر
گرچه پشت ابر، نورش جاری است
گرچه ناپیدا ولی با ماست او
حاضر است او گرچه غایب از نظر
حاضر غایب اگر بشنیده ای
این همه در وصف این بیت عتیق
با ولای مهدی آن سرو شاهی است
هر که نشناسد ورا او مرده است
آنکه از بندش رها دل مرده شد
مهر او بر جان هر کس اوفتاد
پرتو عشقش چو در دل جا گرفت
صبغة الله است رنگ و بوی او
نیست تکلیفی به غیر انتظار

عالمی در جنب و جوش و ولوله

تا ببینم حجت بیدار تو
مهدی موعود منجی جهان
أشهد بکفة و الفجج العمیق
دل منور کن به آن ماه مهان
رفتنش در پرده غیبت چراست؟
لیک سر السرایین غیبت زماست
در حقیقت این نهانی هم زماست
او که حاضر هست پس محنت چرا؟
وز توای قائم، توای جان جهان
تا شهادت در رهت رزمنده ایم
در گذر از غیبت صاحب زمان
تا ظهورش نیست چاره جز به صبر
پرتو گرم حضورش ساری است
شاهد است و ناظر و داناست او
شاهد است او گرچه ناید در بصر
اوست شاهد بردل هر دیده ای
دُر و گوهرهای این بحر عمیق
بی حضورش خانه حق هم تهی است
از غم هجران او افسرده است
چون گل از شاخه جدا پُرمرده شد
در هوایش سرب به پای او فتاد
قطره بود و جای در دریا گرفت
آرزومند است هر کس روی او
انتظار و انتظار و انتظار^۲

۳ □ انتظار

انتظار آری عمل^۲ هست و جهاد^۴
 انتظار آماده باش، آمادگی است
 انتظار احساس با او بودن است
 انتظار از انفعال و احتیراز
 اعتراض بی‌افق مأجور نیست
 گرچه او از وضع اکنون نارضاست
 اعتراض از منتظر گرچه جداست
 انتظار از افضل اعمال ماست
 هم چنین گفتا جهادی برتر است
 انتظار آمادگی در راه اوست
 انتظار امید و عشق و زندگی است
 انتظار آینده‌ای سرزنده است
 انتظار آینه‌ای از روشناس است
 انتظار آیین سبزانبیاست
 انتظار این است یک دنیا نگاه
 انتظار آمد جهادی بی‌امان
 انتظار این است خشم دشمنان
 انتظار از جنس مردم بودن است
 انتظار آمد ز مردم غم‌بری
 یعنی از داغ خلائق سوختن
 بار غم از شانه‌ها برداشتن
 انتظار احیای امر اولیاست
 انتظار آن بال سبز شیعه است
 انتظار آهنگ رزم نینواس است
 انتظار آرام جان شیعه است
 انتظار این است یک هستی سلام

نی فقط یک آه و ناله از نهاد
 روح آن تربیت و سازندگی است
 راه را از چاله‌ها پالودن است
 دور باشد همچنان از اعتراض^۵
 هرافق بر قامت ما جور نیست
 لیک او را وضع عالی هم سزا است
 لیک بی‌آن چون سری از تن جداست
 این سخن از برترین انبیاست
 در مصاف دشمنان این افسر است
 پس چراغ راه، روی ماه اوست
 اجتناب از یأس، از افسردگی است
 قابی از روزی خوش و پاینده است
 وعده محتوم و زیبای خداست
 این بشارت را شعار اولیاست
 چشم بر راه افق در هر پگاه
 بادل و جان با بیان و با بنان
 عبریان، تکفیریان و غربیان
 خواجگی نه، بلکه خادم بودن است
 بر فقیران و ضعیفان قنبری
 چشم بر حال یتیمان دوختن
 زخم هم‌دردی به پیکر داشتن
 این سخن بر ترز سر کیمیاست
 بال سرخش کربلا بودست و هست
 شور در بزم شهیدان خداست
 معنی اشک روان شیعه است
 سلم باشد در جهان ختم کلام

انتظار آمد چو در معنا تمام
 منتظر یعنی محمد ﷺ در حیات
 منتظر یعنی خدیجه با وفا
 منتظر یعنی ابوطالب شدن
 منتظر یعنی علی آن مرد راه
 یعنی یک فرق شکفته در پگاه
 منتظر یعنی علی در همه مه
 منتظر یعنی که سیلی در فدک
 منتظر یعنی که زهرا پشت در
 منتظر یعنی حسن در مصلحت
 منتظر یعنی حسن در طشت خون
 منتظر یعنی حسین و شط خون
 انقلابی سرخ، مردانی ظهور
 منتظر یعنی حسین نینوا
 منتظر یعنی ابوالفضل و وفا
 منتظر یعنی چو اکبر جان فدا
 منتظر یعنی که اصغر روی دست
 منتظر یعنی تلظلی در عطش
 منتظر یعنی که آتش در خیام
 منتظر یعنی دویدن روی خار
 منتظر در یادلی چون زینب است
 منتظر یعنی صحیفه در دعا
 منتظر یعنی دو عین عالمین
 منتظر یعنی سجودی در سجون
 منتظر یعنی رضا یعنی غریب
 منتظر یعنی چو معصومه شدن

لیک بی تاویل باشد ناتمام
 در سلوک و در جهاد و در ملمات
 در ره احمد مواسات و صفا
 با تقیه بر عدو غالب شدن
 مرد خیبرها، خطابها، اشک و آه
 چشم در چشم نبی در هر نگاه
 یا چوپهلوی شکسته، فاطمه
 خط سرخی روی سینه تافلک
 در دفاع از علی گشته سپر
 دشنه ای برپا و صبری در جهت
 پیکری آماج تیراز خصم دون
 عاشقی در دشت های لاله گون
 جوشش هراقلابی تا ظهور
 یا طلوعی سرخ روی نیزه ها
 دست و سردادن به شاه کربلا
 پیکر صد چاک در راه خدا
 مشت خون بر آسمان، سر روی دست
 یک سر ماهی! جدا شد از تنش
 دختر بی معجزی در ازدحام
 در خرابه تا سحر چشم انتظار
 نور عین فاطمه زینب اب است
 امتداد کربلا بی ادعا
 بسط میراث رسول از صادقین
 مشت موسی بر سرهارون دون
 طشت رسوائی مأمون در فریب
 شمس دین را ماه منظومه شدن

آسمان در خاک قم جاگشته است
هم تقی و هم رضا بر هر قضا
حفظ دین از فتنه های روزگار
دو امام سامرا و عسکرین
چشم بر راه و نهایت در نظر
ناخدای کشتی آخر زمان
هر دلی بی مهر او افسرده است
کار او اتمام کار انبیاست
«چونکه صد آمد نود هم پیش ماست»

در جوارش حوزه برپا گشته است
منتظری یعنی جواد ابن الرضا
منتظری یعنی فراست در حصار
دو ولی حق دو نور نیرین
منتظری یعنی امام منتظر
منتظر مهدی است آن صاحب زمان
منتظری بی یاد مهدی مرده است
یاد مهدی یاد جمله اولیاست
مهدی منجی، نوید انبیاست

۵ □ منتظر (عصر غیبت صغری و کبری تا انقلاب اسلامی)

عصر غیبت صغری (نیابت خاصه)

از برایش اصفیایی نایب است
عصر غیبت را چونان کوه سترگ
از برای حجت غایب شدن
نایبانی از خواص و اصفیا
در ولایت بی نظیر و سرتیرین
رهبر منظومه ای پیچیده اند
کار آنان چون طیبی حاذق است
دور دور نایبان عام شد

منتظری یعنی چو مهدی غایب است
منتظری یعنی که نُوَاب بزرگ
منتظری یعنی از او نایب شدن
چار تن^۷ از اذکیا و اتقییا
در کیاست بی رقیب و برترین
در وکالت بس مهارت دیده اند
سازمان را یادگار صادق^۸ است
دور این نُوَاب چون فرجام شد

عصر غیبت کبری (نیابت عامه فقها)

خالق کافی و آثار شروق
آنکه مهدی خوانده اش: «اُخّ سدید»
حافظان شیعه از سوء القضاء
محدود زیباترین طاووس^{۱۵} ها
آیت الهی برای او سزاست
یا شهید ثانی^{۱۸} احیای دین
عالم دین و فنون پر بها

منتظری یعنی کلینی^۹ و صدوق^{۱۰}
منتظری یعنی چنان شیخ مفید^{۱۱}
منتظری یعنی چو طوسی^{۱۲} مرتضی^{۱۳}
منتظری یعنی چو بن طاووس^{۱۴} ها
منتظر علامه حلی^{۱۶} ماست
منتظری یعنی شهید اولین^{۱۷}
منتظری یعنی چنان شیخ بها^{۱۹}

منتظری یعنی بحار مجلسی^{۲۰}
 منتظر استاد کل در اصول
 منتظری یعنی که چون بحرالعلوم^{۲۲}
 منتظر در فقه خود پویا بود
 صاحبش را صاحب «کشف الغطا»^{۲۳} است
 صاحبش را آن فقیه ماهر است
 صاحب آن را چوشیخ اعظم^{۲۵} است
 منتظرا شیخ اعظم حجت است
 عصر غیبت را فقیهان حجت اند^{۲۶}
 منتظر خط اصیل حوزه هاست
 منتظر در خط سبزانیاست
 منتظر آن میر شیرازی^{۲۷} بود
 حکم او آغاز بیداری خلق
 حکمش ایران را همی آزاد کرد
 حکم او احیاگر این سرزمین
 هر کسی کو حکم او را می شنید
 گفتن «الیوم» غوغایی نمود
 گرن بود «الیوم» از آن ذات پاک
 کشتی ایران چو بر گل می نشست
 منتظر آخند^{۲۹} و نائینی^{۳۰} بود
 منتظر عبدالکریم حائری^{۳۱} است
 منتظری یعنی صفایی حائری^{۳۲}
 منتظری یعنی بروجردی^{۳۳} شدن
 منتظری یعنی چونان سید حکیم^{۳۴}
 منتظری یعنی که میلانی^{۳۵} شدن
 منتظری یعنی که خوانساری^{۳۶} شدن
 منتظری یعنی که چون خوبی^{۳۸} شدن

نور آن روشنگر هر مجلسی
 بهبهانی^{۲۱} پیرو محض رسول
 یاور مهدی و دریای علوم
 فقه را از صاحبش جویا بود
 «کاشف» فقه از رموز و از خطاست
 چون «جواهر»^{۲۴} از فقیه باهر است
 در اصول و فقه ماء زمزم است
 نصب چون اوایی به امر حجت است
 حاکم شیعه به امر حضرت اند
 مرجعیت حجت از سوی خداست
 امتداد خط سرخ اولیاست
 حضرتش بر حکم^{۲۸} او راضی بود
 از فریب و جور غربی های دلخ
 این خراب آباد را آباد کرد
 مجلس و مشروطه هم آثار این
 دیده بر مرقومه او می کشید
 رنگ غم را از دل شیعه زدود
 بی گمان می گشت ایران، هند و پاک
 کشتی یاران مهدی می شکست
 ژرف بین و قائد دینی بود
 حوزه او پرفروغ و باهری است
 در اصول و فقه در نادری
 در سماء علم خورشیدی بُدن
 حوزه را باهر شدن، رکن قویم
 در لطافت فیض ربّانی شدن
 شِبّه عصمت^{۳۷} را بر او جاری شدن
 حوزه را اُسْطُن به نیکویی شدن

منتظری یعنی خمینی کبیر هم فقیه جامع و هم زاهد است هم بصیر است و فهیم است و علیم در ظلام ظلم، شمس باهر است برترین الگو برای امت است مهرمی ورزد بسی بر مردمان حرکت او امتداد حوزه‌هاست بیش از این از او بیاید گفتگو من چه گویم شرح آن درّ ثمین هرچه گفتم وصف آن ماه مهان منتظری یعنی که چون فاضل^{۳۹} شدن منتظر آن آیت حق بهجت^{۴۰} است منتظر در فقه چون صافی^{۴۱} شدن منتظر چون سیستانی^{۴۲} بودن است منتظری یعنی چو آیات عظام منتظری یعنی جوادی آملی منتظری یعنی که چون سید علی وارث امروز حوزه رهبر است رهنمود او چنان درّ ثمین حوزه‌ها که مجد و عزت طالبند هر کلامی از امام و رهبری جایگاه و رسالت حوزه‌ها

حوزه یعنی امتداد انقلاب حوزه‌ها چشم انتظار حجت‌اند حوزه‌ها در عصر غیبت لازم‌اند حوزه‌های منتظر راهش جداست حوزه‌ها را انقلابی لازم است

یک ابرمرد مجاهد، بی نظیر عارف کامل، برامت شاهد است هم حلیم است و کریم است و زعیم برگلوی ظلم، سیف شاهراست نعمتی عظمی برای ملت است قهرا و بر طاغیان این جهان انقلابی در میان عصر ماست چونکه دریا را ننگجد در سبب آنکه در پیچید تقدیر زمین چون نظر کردم بسی برتر آن آنچه را می‌گفت خود عامل شدن در سلوک و مرجعیت حجت است «منتخب» را در اثر «کافی» شدن جان بیدار و جهانی بودن است چون مکارم یا که نوری گرام نیست در بستان بسان او گلی مرجعی بیدار در راه ولی افتخارش خاک پای قنبر است از برای حوزه‌ها راه امین چون روند این راه را پس غالبند حوزه را شد راهبرد برتری

دور بودن از کثری و اضطراب وارثان خط سرخ حضرت‌اند عهده‌داران ظهور قائم‌اند مقصد آن میر بیدار خداست یاوران جدّ و نابی لازم است

حوزه‌ها را سخت باید پرشتاب
 انقلاب بی نفر خود مرده است
 حوزه‌ها را در مثل سردان نه دم
 حوزه‌ها رأس نیاز اجتماع
 حوزه‌ها را وارث پیغمبرند
 حوزه باشد خاستگاه انقلاب
 حوزه‌ها آموزگار ملت اند
 حوزه ابنای بشر را چون بشیر
 حوزه برنیکان چو آوای سروش
 کار نبود غیر کار حوزوی
 حوزه‌ها در فقه گرچه محشرند
 حوزه‌ها در علم جامع گشته‌اند
 علوم عقلی - کلامی

منتظری یعنی چو فزاری^{۴۳} شدن
 منتظری یعنی چو بن سینا^{۴۴} شدن
 منتظری یعنی نصیرالدین^{۴۵} شدن
 در لقب گویند: استاد البشر
 منتظری یعنی که صدرایی^{۴۶} شدن
 منتظر مآلی سبزواری^{۴۷} است
 اخلاق و عرفان

منتظر خُلُقش چنان پیغمبر است
 منتظر مآلی همدانی^{۴۸} بود
 منتظر آن میر تبریزی^{۴۹} بود
 منتظری یعنی بهاری^{۵۰} ثمین
 منتظری یعنی که چون قاضی^{۵۱} شدن
 منتظر آن عارف سید جمال^{۵۲}
 منتظر چون شیخ شاه‌آبادی^{۵۳} است

کارسازی از برای انقلاب
 حوزه را این کارها برگزیده است
 ماهی از سرگنده گردد نی ز دم
 کارشان با اولیا در یک شعاع
 وارشان جایگاه حیدرند
 ریشه هر چه قیام پاک و ناب
 هم بشیر و هم نذیر امت اند
 دشمنان دین و ملت را نذیر
 برکیان دشمنان قهر و خروش
 آفرین بریاوران مه‌دوی
 لیک در هر علم دیگر هم سرزند
 در علوم وحی لامع گشته‌اند

معدن علم و زرنابی شدن
 عقل را چون گنبد مینا شدن
 خواجه بر علم و کلام و دین شدن
 عقل سینایی و یا حادی عشر
 جامع اشراق و مشایی شدن
 هادی منظومه بیداری است

در سلوکش با حسین و حیدر است
 عارفی در ذات رب فانی بود
 در نگاهش حادت و تیزی بود
 «تذکره» گشتن برای «متقین»
 سالکی بر قلعه راضی شدن
 فانی ذات خدای ذوالجلال
 خلق را در فقه و عرفان هادی است

منتظری یعنی میانجی احمدی^{۵۴}
منتظری یعنی حسن زاده^{۵۵} شدن
منتظر شد آیت حق حق شناس^{۵۶}

تفسیر

منتظر مأنوس با قرآن بود
منتظر خلاق المیزان^{۵۹} بود

مذهب - ولایت

منتظر آن حامد هندی^{۶۰} بود
منتظری یعنی امینی^{۶۳} الغدیر
منتظر علامه حق عسکری^{۶۴} است

تاریخ

منتظر علامه جعفر مرتضاست^{۶۵}
منتظر عباس شیخ حائری^{۶۶} است

بانوان مجتهده

منتظر چون آمنه خاتون^{۶۷} شدن
منتظری یعنی که چون بانو امین^{۶۸}

طب

منتظری یعنی چنان رازی^{۶۹} شدن
منتظری یعنی چو جرجانی^{۷۰} شدن

شعر

منتظری یعنی چو فردوسی^{۷۱} حکیم
منتظری یعنی سنائی^{۷۲} جلی
منتظر را در قصیده انوری^{۷۳} است

منتظری یعنی نظامی^{۷۴} حکیم
منتظر عطار^{۷۵} عاشق پیشه است

منتظری یعنی ولای مولوی^{۷۶}
منتظر را در گلستان سعدی^{۷۸} است

عالمی عامل، فقیهی ازهدی
با سبوی علم هم پاده شدن
او که سر تا پا است غرق عطریاس

هم نشین با مجمع^{۵۷} و تبیان^{۵۸} بود
خُلق او از دولت قرآن بود

در ولایت مالک^{۶۱} و کئیدی^{۶۲} بود
راوی بحر ولایت در غدیر
در دفاع از تشیع ازهری است

«الصّحیحش» مرجع در حوزه هاست
نقد تاریخش چو شمس ظاهری است

بانوان از علم او مرهون شدن
در علوم حوزوی ماه مهین

کاروان علم را راضی شدن
چون «ذخیره» فخر انسانی شدن

از کلامش فرق دیوان شد دو نیم
نور حق در شعرا او شد منجلی
زهره شعرش پسند مشتری است

عطر شعرش در ولایت پر شمیم
سالک قاف و چو شیریشه است
شمس تبریزش^{۷۷} امام مهدوی

بوستانش شاهکار بعدی است

منتظری یعنی غزل باران شدن
 منتظری یعنی که چون جامی^{۸۰} شدن
 منتظری یعنی که شعر محتشم^{۸۱}
 منتظر عمان سامانی^{۸۲} بود
 منتظر طبع بلند مفتقر^{۸۳}
 منتظر در عشق یعنی مهزیار
 منتظر در شاعری یعنی شفق^{۸۵}
 منتظری یعنی که چون میثم^{۸۷} شدن
 مبارزات سیاسی و اجتماعی

حوزه‌ها دین را دلیل و مرجعند
 منتظر سردار کوچک، جنگلی^{۸۸} است
 منتظری یعنی که چون نوری^{۸۹} شدن
 منتظر در بسط ید لاری^{۹۱} بود
 منتظری یعنی مدرس^{۹۲} پرفروغ
 منتظری یعنی که نواب^{۹۳} سدید
 منتظری یعنی چو کاشانی^{۹۴} شدن
 منتظری یعنی سعیدی^{۹۵} لاله‌گون
 منتظری یعنی شهید مصطفی^{۹۷}
 منتظری یعنی چو کافی^{۹۸} سوختن
 منتظری یعنی چنان اندر زگو^{۹۹}
 منتظری یعنی خطاب به فلسفی^{۱۰۰}
 عالمان احیاگران حوزه‌اند
 عالمان شیعه جمله عاصمند^{۱۰۱}

۶۶ منتظر (عصر انقلاب اسلامی)

منتظر چون نور مه در ظلمت است
 منتظری یعنی اهورایی شدن
 منتظری یعنی به حق گویا شدن

همچو حافظ^{۷۹} با سبک باران شدن
 از علی و آل او حامی شدن
 مهدی از ترکیب بندش در آلم
 شعرا و از لطف ربانی بود
 عالمی گشته به شعرش مفتخر
 بهجت تبریزی یعنی شهریار^{۸۴}
 شعرا و دیباچه^{۸۶} آیات حق
 دل به اسرار علی محرم شدن

مردم و مستضعفان را ملجانند
 رنگ سرداران دل سرخ و گلی است
 سردار عشق چون «جوری»^{۹۰} شدن
 حکم دین با دست او جاری بود
 مجلس مشروطه عاری از دروغ
 دست بر قرآن و دستی بر حدید
 عزت دین فخر ایرانی شدن
 همچو غفاری^{۹۶} شهیدی غرق خون
 مجتبی گشتن برای مرتضی
 راه و رسم عاشقی آموختن
 با کیاست، پرصلابت، رزمجو
 در بیان دین نقی است و صفی
 باغبان خلق در این روضه‌اند
 دشمنان مردمان را قاصمند^{۱۰۲}

چلچراغی در میان امت است
 همچو باران بر همه جاری شدن
 در طریق بندگی پویا شدن

منتظری یعنی چو آئینه شدن
منتظر چون تندر است و چون شهاب
منتظری یعنی سه شنبه جمکران
منتظری یعنی چنان کوه گران
منتظر از او حکایت می کند
منتظر را گر بگویی عشق چیست؟
منتظر مظهری^{۱۰۳} در حکمت است
منتظری یعنی پدر فانی شدن
در کلامش آذرخشش بوذری
منتظری یعنی بسیجی^{۱۰۵} بی نشان
منتظری یعنی بسیجی در عمل
منتظری یعنی بسیجی در بصر
منتظری یعنی که فهمیده^{۱۰۶} شدن
منتظری یعنی چوشیرودی^{۱۰۷} شدن
منتظری یعنی چریکی از امل
منتظری یعنی بهشتی^{۱۱۱} در ادب
منتظر عبدالکریم هاشمی^{۱۱۲} است
منتظری یعنی که غرق خون شدن
دستغیب^{۱۱۳} و اشرفی^{۱۱۴} قاضی^{۱۱۵} شدن
مدنی^{۱۱۶} کردار یک دنیا وفا
منتظری یعنی رجایی^{۱۱۸} در مثل
منتظری یعنی جهان آرا^{۱۱۹} شدن
منتظری یعنی بروجردی^{۱۲۰} شدن
منتظری یعنی چو همت،^{۱۲۲} باقری^{۱۲۳}
منتظری یعنی که بابایی^{۱۲۷} شدن
منتظری یعنی که ستاری^{۱۲۸} شدن
منتظری یعنی شکوه یک اسیر
منتظری یعنی چو آوینی^{۱۳۰} شدن

تزکیه در او نهادینه شدن
دست بر خورشید و پایی در رکاب
نقطه عطف کران با بیکران
اربعینی در سبوی جمکران
از فراق او شکایت می کند
فاش گوید جز ظهور مهر نیست
شاخص حکمت میان امت است
طالقانی^{۱۰۴} نور قرآنی شدن
طاغیان را نعره های حیدری
در مصاف دشمنان شیرژیان
خواه حزب اله بود یا از امل
در دفاع از ولای شیطان نر
زیر چرخ تانک ها دیده شدن
پرزدن با کشوری^{۱۰۸} ها تا عدن^{۱۰۹}
مثل چمران^{۱۱۰} مرد میدان عمل
مرد میدان عدالت، شیررب
عالمی والا، تبارش فاطمی است
پنج محراب خدا گلگون شدن
به بهشت وجه رب راضی شدن
چون صدوقی^{۱۱۷} جملگی اهل صفا
در اطاعت از ولای ضرب المثل
جان پناه مردم تنها شدن
یا چو ابراهیم هادی^{۱۲۱} بی کفن
یا که خرازی،^{۱۲۴} برونسی،^{۱۲۵} باقری^{۱۲۶}
طائر قدسی و طوبایی شدن
بال بر بال ملک طاری شدن
بوتربی ها^{۱۲۹} و شیطان دلیر
در هنر، در علم تهرانی^{۱۳۱} شدن

منتظری یعنی که صیادی^{۱۳۲} شدن
 منتظر مغنیه و نصرالله است
 منتظری یعنی حججی^{۱۳۳} سر جدا
 منتظری یعنی مدافع از حرم
 منتظر چون مام زین الدین بود
 منتظری یعنی أم و اخت شهید
 منتظر مقتولۀ بنت الهدی^{۱۳۴} است
 منتظری یعنی شهید صدر^{۱۳۵} و حکیم^{۱۳۶}
 منتظری یعنی صفایی^{۱۳۷} زیستن
 «عین» خود بر چشم مولا دوختن
 منتظر مرضیۀ دباغ^{۱۳۹} و پاک
 منتظر چون آیت اله مومن^{۱۴۰} است
 با و رع یک عمر زاهد زیستن
 منتظری یعنی سلیمانی^{۱۴۱} شدن
 یا چو اکبر مصحفی سی پاره تن
 منتظری یعنی ابومهدی^{۱۴۲} شدن
 منتظری یعنی چوقائی^{۱۴۳} شدن
 منتظری یعنی که فخری زادگی^{۱۴۴}
 منتظر مصباح^{۱۴۵} در هر ظلمت است
 منتظری یعنی حکیمی^{۱۴۶} مرد داد
 منتظر فیروز آبادی^{۱۴۷} شدن
 منتظری یعنی رحیم پور ازغدی^{۱۴۸}
 منتظری یعنی که این خط سرفراز
 منتظری یعنی بصیرت در فتن
 منتظری یعنی که شیعه ای تمام

۷ □ شیعه

شیعه بودن نام سلمان را سزااست
 شیعه یعنی برق شمشیر از نیام
 شیعه یعنی در صلابت چون جبل
 شیعه یعنی زهد، تقوای درون

پرگشودن غرق آزادی شدن
 راه پیروزی قدس حزب الله است
 ننگ داعش فخر مردان خدا
 پاسدار بقعۀ أخت الکرم
 آن چنان مادر که فخر دین بود
 اوج صبر همسر و دخت شهید
 چون برادر ذوب در روح خداست
 هم مجاهد، هم بصیر و هم فهیم
 چشمه جاری به هامون ریختن
 «صاد»^{۱۳۸} دین به التقاط آمیختن
 کوه صبرش از ثریا تا به خاک
 او تراز هر فقیه مومن است
 از ریا و ادعا پاره ریختن
 همچو مالک در علی فانی شدن
 ارباباً اربابا پیکری دور از وطن
 همچو قاسم قاصمان هر فتن
 جانشین چون سلیمانی شدن
 فخر داننش در ره آزادگی
 همچو عمار او چراغ ملت است
 مرد عاشورا، عقیده و جهاد
 یار رهبری را آبادی شدن
 حیدری گفتار و زئی احمدی
 هست درهای شهادت باز باز
 با حسین آن سان که هفتاد و دو تن
 آنچه را که خوانده مولا بر هم نام^{۱۴۹}

مالک و مقداد و صوحان را سزااست
 داد مظلومان گرفتن با قیام
 بت شکن برلات و عژی و هبل
 در ستیزه با هیولای بیرون

شیعه یعنی با مروت با صفا
 شیعه یعنی مالک بر نفس خویش
 شیعه یعنی در عمل ظاهر شدن
 شیعه یعنی جست هارون در تنور^{۱۵۰}
 شیعه ناب تنوری کیمیاست
 شیعه یعنی طاعت محض از ولی
 شیعه یعنی باش در خط امام
 شیعه یعنی همسفر تا کربلا
 شیعه یعنی رهبرش در غیبت است
 بعد روح اله بود دور «امین»^{۱۵۱}
 این امین روح الامین^{۱۵۲} امت است
 این دوروخ آینه‌ی روح خداست
 کشور ما غرق شور و نور باد
 این شهیدان اجرشان ماجور باد
 سعی جانبازان ما مشکور باد
 چشم خصم فاطمیون کور باد
 ملک شیعه از بلایا در امان!
 شیعه باکش نیست از برق نیام

خالی از نامردی و جور و جفا
 زئ دنیايش چودرويشان نه بیش
 همچو شمسی بر همه زاهر شدن
 چون که مولا گفت رواندر تنور
 چیدن گل از میان شعله‌هاست
 پیروی از وُلد زهرا و علی
 تابع رهبر به هر صلح و قیام
 مست می گردیدن از جام بلا
 نایبش روح اله پر هیبت است
 نایب مهدی دژ این سرزمین
 همچو روح الله جان ملت است
 عزت ما شیعیان بی انتهاست
 چشم بد از ملک شیعه دور باد
 با شهید کربلا محشور باد
 لشکر صاحب زمان منصور باد
 چشم زخم از زینبیون دور باد
 با ولایت سرفرازی در جهان
 با ولایت تا شهادت والسلام

م. آقایی

مسجد الحرام، نیمه شب ۲۵ ذی‌العده ۱۴۴۰ (۶/۵/۹۸) ۱۵۳

۱. الظلام: اسم الظلمة (معجم مقاییس اللغة) تاریکی، سیاهی. جمع ظلمت، سیاهی‌ها، تاریکی‌ها.
۲. تکرار قافیه عمدی است.
۳. پیامبر ﷺ: افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله (کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۴۴)؛ امام جواد ﷺ: افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج (همان، ص ۳۷۷).
۴. پیامبر ﷺ: افضل جهاد امتی انتظار الفرج (تحف العقول، ص ۳۷).
۵. رک: تومی آبی، علی صفایی حائری.
۶. تأویل یعنی مصداق.
۷. نواب اربعه به عنوان نایبان خاص امام زمان ﷺ از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ ق واسطه بین آن حضرت و شیعیان

بوده‌اند. اسامی آنها به ترتیب عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمی (ر.ک: سایت ویکی فقه و ویکی شیعه). لازم به ذکر است مقصود از «همان» در دیگر پاورقی‌ها سایت‌های ویکی فقه، ویکی شیعه، دائرةالمعارف اسلامی و یا برخی دیگر از سایت‌های معتبر است.

۸. قول تحقیق این است که سازمان وکالت از دوره امام صادق علیه السلام بنیان نهاده شد (ر.ک: تاریخ عصر غیبت، پورسیدآقایی و دیگران، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۹).

۹. درگذشت: ۳۲۹ ق. محمد بن یعقوب کلینی معروف به ثقة الاسلام کلینی از محدثان مشهور شیعه و صاحب کتاب «کافی» از کتب اربعه. (همان)

۱۰. درگذشت: ۳۸۱ ق. محمد بن علی ابن بابویه ملقب به شیخ صدوق صاحب «من لا یحضره الفقیه» از کتب اربعه. (همان)

۱۱. درگذشت: ۳۳۸ ق. محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید متکلم و فقیه امامیه در قرن‌های چهارم و پنجم قمری. (همان) امام مهدی علیه السلام در یکی از توقیعات خود خطاب به وی می‌فرماید: «للاخ السدید والولی الرشید». (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷)

۱۲. درگذشت: ۴۶۰ ق. محمد بن حسن مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفة از مشهورترین محدثان و فقهای شیعه و صاحب دو کتاب «التهذیب» و «الاستبصار» از کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه. (همان)

۱۳. درگذشت: ۴۳۶ ق. علی بن حسین معروف به سید مرتضی و علم الهدی، فقیه و متکلم امامی و از شخصیت‌های پرنفوذ اجتماعی شیعه در دوره آل بویه. (همان)

۱۴. درگذشت: ۶۶۴ ق. سید علی بن موسی بن جعفر بن طاووس مشهور به سید ابن طاووس، از بزرگان علمای شیعه و نقیب شیعیان در زمان حکومت مغول بر بغداد و صاحب کتاب‌های فراوان از جمله لهوف (مقتل امام حسین علیه السلام) به سبب تقوا و مراقبه فراوان و حالات عرفانی، برخی به او «جمال العارفین» گفته‌اند. (همان)

۱۵. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «المهدی طاووس اهل الجنة». (الفردوس، دیلمی، ج ۴، ص ۲۲۲؛ الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ص ۲۹۳؛ عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، ج ۱، ص ۳۴)

۱۶. درگذشت: ۷۲۶ ق. حسن بن یوسف حلّی معروف به علامه حلّی، فقیه و متکلم بزرگ شیعه و دارای ۱۲۰ کتاب در رشته‌های مختلف علمی مثل اصول، فقه، تفسیر، منطق، کلام و رجال و اولین کسی که با لقب آیت الله خوانده شد. (همان)

۱۷. درگذشت: ۷۸۶ ق. شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین مکی عاملی مشهور به شهید اول از فقهای بزرگ شیعه و شاگرد فخرالمحققین فرزند علامه حلّی و استاد فاضل مقداد و صاحب کتاب «اللمعة دمشقیة» و چندین کتاب دیگر در فقه شیعه. وی در فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت متبحر بود و به دست مخالفان شیعه و پس از یکسال اسارت در قلعه شام به شهادت رسید. (همان)

۱۸. درگذشت: ۹۶۶ ق. زین‌الدین علی عاملی معروف به شهید ثانی و صاحب کتاب «الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة» و «مسالک الافهام» و بسیاری کتاب‌های گرانسنگ دیگر. وی از بزرگان و مفاخر فقهای شیعه است. (همان)

۱۹. درگذشت: ۱۰۳۱ ق. محمد بن عزالدین حسین متخلص به بهائی و معروف به شیخ بهائی و بهاء‌الدین عاملی، فقیه، محدث، حکیم و ریاضی‌دان شیعه عصر صفوی و دارای بیش از یکصد کتاب در زمینه‌های مختلف و

- آثار ارزشمندی در زمینه معماری همچون منارجنبان اصفهان، تقسیم آب زاینده رود، گنبد مسجد امام اصفهان و نقشه حصار نجف. وی مقام شیخ الاسلامی بالاترین منصب رسمی دینی در حکومت صفویه را برعهده داشت و امام جمعه اصفهان بود. (همان)
۲۰. درگذشت: ۱۱۱۰ق. محمدباقر بن محمدتقی مجلسی معروف به علامه مجلسی یا مجلسی دوم از محدثان و فقیهان مشهور شیعه و صاحب «بحارالانوار» دائرةالمعارف بزرگ شیعه. (همان)
۲۱. درگذشت: ۱۲۰۵ق. آیت الله محمدباقر بهبهانی معروف به وحید بهبهانی، فقیه، اصولی و از علمای بزرگ شیعه و احیاگر علم اصول و مشهور به القابی مثل استاد اکبر، استاد کل، مروج شریعت سیدالبشر، علامه ثانی و محقق ثالث. وی از مبارزان با اخباری گری بود. (همان)
۲۲. درگذشت: ۱۲۱۲ق. آیت الله سید محمد مهدی بحرالعلوم از مراجع تقلید و عهده دار ریاست عامه شیعیان و متبحر در علوم مختلف چون فقه، اصول، حدیث، کلام، تفسیر و رجال و از شاگردان علامه وحید بهبهانی. لقب بحرالعلوم پیش از او به کسی داده نشده بود. (همان)
۲۳. درگذشت: ۱۲۲۸ق. آیت الله جعفر بن یحیی جناحی حلّی نجفی، ملقب به کاشف الغطاء یا شیخ جعفر کبیر از مراجع تقلید شیعه و صاحب کتاب معروف «کشف الغطاء». مبارزات سیاسی - اجتماعی او با وهابیان و اخباری ها و صدور اجازه مبارزه با روس، مشهور است. (همان)
۲۴. درگذشت: ۱۲۶۶ق. آیت الله شیخ محمد حسن نجفی جواهری معروف به صاحب جواهر از فقهای نام آور شیعه و صاحب کتاب «جواهرالکلام» در ۴۳ جلد دائرةالمعارف بزرگ فقه شیعه. وی ریاست مرجعیت شیعه را در عصر خود برعهده داشت. (همان)
۲۵. درگذشت: ۱۲۸۱ق. آیت الله مرتضی انصاری دزفولی معروف به شیخ انصاری از فقهای بزرگ شیعه و دارای مرجعیت عامه پس از صاحب جواهر و ملقب به خاتم الفقهاء و المجتهدین و صاحب دو کتاب گرانسنگ درسی حوزه در فقه و اصول به نام های مکاسب و رسائل «فرائد الاصول». (همان)
۲۶. براساس توقیع مبارک امام زمان (عج) «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجة الله علیهم» (کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۴۸۵؛ الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۹۱؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۸۴) فقها در عصر غیبت حجت بر شیعیان هستند، به عبارت دیگر شیعیان را در عصر غیبت به دست فقها سپرده اند و ملجاء و پناه آنان، فقهای عظام هستند.
۲۷. درگذشت: ۱۳۱۲ق. آیت الله سید محمد حسن میرزای شیرازی معروف به میرزای شیرازی بزرگ از بزرگ ترین فقها و مراجع تقلید و صاحب فتوای تحریم تنباکوک بعد از شیخ انصاری مرجعیت عامه یافت و حدود ۲۳ سال مرجع علمی الاطلاق شیعه بود. از شاگردان او می توان آخوند خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (صاحب عروة)، میرزا محمدتقی شیرازی، سید محمد فشارکی و حاج آقا رضا همدانی را نام برد. (همان)
۲۸. متن حکم میرزای شیرازی: «بسم الله الرحمن الرحیم. الیوم استعمال تنباکوک و توتون بایّ نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) است.» در مورد چگونگی صدور این حکم و آثار آن رک: مقاله مدیریت امام زمان (عج)، پورسید آقایی، مشرق موعود، شماره ۸.
۲۹. درگذشت: ۱۳۲۹ق. آیت الله ملا محمد کاظم آخوند خراسانی معروف به آخوند خراسانی فقیه اصولی و از مراجع تقلید شیعه و از رهبران سیاسی مشروطه و صاحب کتاب «کفایة الاصول» از کتاب های درسی حوزه ها. (همان)
۳۰. درگذشت: ۱۳۵۵ق. آیت الله میرزا محمد حسین نائینی مشهور به میرزای نائینی از فقهای بزرگ و علمای طرفدار

نهضت مشروطه و صاحب کتاب «تنبيه الامة و تنزيه الملة». (همان)

۳۱. درگذشت: ۱۳۵۵ق. آیت الله عبدالکریم حائری یزدی معروف به آیت الله مؤسس از مراجع تقلید و بنیانگذار و زعیم حوزه علمیه قم. (همان)

۳۲. درگذشت: ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۵۸ق. آیت الله شیخ محمدعلی صفایی حائری صاحب کتاب های «حاشیه بر کفایة الاصول»، «مختارات الاصول» «ردّ بروهائیت» و دیگر کتاب های فقهی. برای آگاهی از زندگی نامه و آثار ایشان رک: افکار و آمال، آیت الله حاج شیخ صفایی حائری (فرزند ایشان)، صص ۳۹-۱۱۶، انتشارات لیلۃ القدر، قم، ۱۳۹۹ش.

۳۳. درگذشت: ۱۳۸۰ق / ۱۳۴۰ش. آیت الله سیدحسین طباطبائی بروجردی از مراجع تقلید شیعه و به مدت ۱۵ سال مرجع عام شیعیان جهان و دارای نفوذ فراوان سیاسی اجتماعی و حمایت از فلسطین و تلاش برای تقرب مذاهب اسلامی. (همان)

۳۴. درگذشت: ۱۳۹۰ق. آیت الله سیدمحسن طباطبایی حکیم از مراجع بزرگ تقلید نجف و صاحب کتاب «مستمسک العروة الوثقی» از مشهورترین کتاب های فقهی و «حقائق الاصول». (همان)

۳۵. درگذشت: ۱۳۵۴/۵/۱۷ش در مشهد. آیت الله سید محمدهادی حسینی میلانی از مراجع تقلید شیعه، احیاگر حوزه علمیه مشهد، استاد مقام معظم رهبری و دارای تألیفات متعدد در عقاید، تفسیر، فقه و اصول؛ از جمله اقدامات ایشان در احیای حوزه علمیه مشهد دعوت از آیت الله حاج شیخ علی فلسفی رحمته به مهاجرت جهت تدریس در حوزه علمیه آن دیار بود. مرحوم آیت الله علی فلسفی یکی از برجسته ترین درس آموختگان مکتب نجف به شمار می رفت (همان) وی دارای نفسی مهذب و متخلق به اخلاق و بسیار بزرگوار موفق در تربیت شاگردان فراوان بود. این حقیر توفیق درک محضرش را داشتم. رضوان خدا بر او باد.

۳۶. درگذشت: ۱۴۰۵ق، ۳۰/۱۰/۱۳۶۲ش. آیت الله سیداحمد خوانساری از مراجع تقلید و از شاگردان آخوند خراسانی و ساکن تهران و مدفون در حرم حضرت معصومه علیها السلام، مشهور به پارسایی و ساده زیستی. (همان)

۳۷. امام خمینی رحمته پس از فوت آیت الله خوانساری فرمودند: ایشان صاحب نفس قدسیه بودند، مرجع متقین بودند. از عصمت ایشان از من سؤال کنید شما از عدالت ایشان سؤال می کنید ما در عصمت ایشان شک داریم. (رک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته و برخی سایت های معتبر)

۳۸. درگذشت: ۱۴۱۳ش. آیت الله سیدابوالقاسم خوبی از مراجع تقلید شیعه و استوانه های حوزه علمیه نجف و دارای کتاب های متعدد در فقه و اصول و رجال و تفسیر و شاگردان فراوان. (همان)

۳۹. درگذشت: ۱۳۸۶ش. آیت الله محمد فاضل لنکرانی از مراجع بزرگ تقلید و از شاگردان ممتاز مرحوم امام خمینی رحمته و از فعالان در انقلاب اسلامی و دارای کتاب های متعدد در فقه و اصول و شاگردان فراوان. (همان)

۴۰. درگذشت: ۱۳۸۸/۲/۲۷ش. آیت الله محمدتقی بهجت از مراجع تقلید و مشهور به عرفان و زهد و تقوا و حالات خوش و گریستن در نماز جماعت. وی از شاگردان مرحوم آیت الله غروی اصفهانی و آیت الله سیدعلی قاضی بود. از شاگردان او می توان آیت الله مصباح یزدی را نام برد. مرحوم امام خمینی رحمته در مورد ایشان فرموده بود: «جناب آقای بهجت، دارای مقامات معنوی بسیار ممتازی هستند، ایشان دارای موت اختیاری هستند.» (همان)

۴۱. مرجع عالی قدر و دل داده امام زمان علیه السلام حضرت آیت الله صافی گلپایگانی صاحب اثر گرانسنگ «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر» که در سال ۱۳۳۲ش (۱۳۷۳ق) در یک جلد براساس روایات معتبر شیعه و اهل سنت به

- چاپ رسید و اخیراً (۱۳۸۰ش) در سه جلد به زبان عربی و شش جلد با ترجمه فارسی منتشر شده است.
۴۲. آیت الله سید علی حسینی سیستانی متولد ۱۳ مرداد ۱۳۰۹ در مشهد، فقیه، اصولی و از مراجع بزرگ تقلید شیعه که هم اکنون در نجف اقامت دارد. وی از شاگردان ممتاز آیت الله خوئی و دارای تألیفاتی در فقه و اصول است. مبارزات ایشان به ویژه فتوای تاریخی در رویارویی با داعش، نجات بخش عراق و نجف از مزدوران داعشی بود.
۴۳. درگذشت: ۳۳۹ ق. ابونصر محمد فارابی ملقب به معلم ثانی بزرگ ترین فلاسفه و دانشمندان مسلمان ایرانی. در مورد مذهب فارابی اختلاف نظر وجود دارد. برخی از تاریخ شناسان معتقدند او سنی بوده اما اجماع بر شیعه بودن او است. سید محسن امین عاملی می گوید: فارابی اولین فیلسوف در اسلام است و بعضی از معاصران گفته اند که فارابی با هیچ کس ارتباط نداشت مگر با اهل فضل از شیعیان به خاطر جامعیت عقیده و مذهب. و گفته اند که هر کس درباره فارابی تأمل کند، درمی یابد که او از امامیه عدلیه و قائلان به عضویت ائمه علیهم السلام است. نجار فوزی معتقد است که فلسفه سیاسی فارابی تحت تأثیر شیعیان قرار گرفته است. (همان)
۴۴. درگذشت: ۴۲۸ ق. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا معروف به ابوعلی سینا و ملقب به شیخ الرئیس بزرگ ترین فیلسوف مشایی و پزشک نامدار ایران و جهان اسلام و دارای آثار گرانسنگی همچون شفا (در فلسفه)، قانون (در طب)، دانشنامه علایی و رساله های بسیار به عربی و فارسی. وی در خانواده ای شیعی مذهب در بلخ دنیا آمد و خود نیز مسلمان و قائل به مذهب تشیع بوده است. (همان)
۴۵. درگذشت: ۶۷۲ ق. ابوجعفر محمد بن محمد بن حسن طوسی معروف به خواجه نصیرالدین طوسی، محقق طوسی، معلم ثالث، حکیم و متکلم، ریاضی دان و منجم و ملقب به استاد البشر و عقل حادی عشر، افضل علما، همتای ابن سینا، عقل سینایی و... و مؤلف کتاب ها در رساله های بسیاری در علوم اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، ریاضیات و نجوم. وی احیاگر فلسفه و مبتکر روش فلسفی در کلام شیعه است. برخی از علمای بزرگ شیعه که شاگرد او بوده اند عبارتند از علامه حلی، ابن میثم بحرانی و قطب الدین شیرازی. شواهد زیادی مبنی بر شیعه اثنی عشری بودن او در دست است. (همان)
۴۶. درگذشت: ۱۰۵۰ ق. صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی مشهور به ملاصدرا فیلسوف، عارف شیعی و بنیانگذار مکتب فلسفی حکمت متعالیه به عنوان سومین مکتب فلسفی در جهان اسلام. وی به صدرالحکما و صدرالمتألهین نیز معروف است. مهم ترین کتاب وی «الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة» معروف به اسفار است. (همان)
۴۷. درگذشت: ۱۲۸۹ ق. ملاهادی سبزواری ملقب به حکیم سبزواری و حاجی سبزواری حکیم، عارف و شاعر شیعی عصر قاجار و بزرگ ترین فیلسوف قرن سیزدهم و صاحب کتاب «منظومه» یک دوره کامل منطق و فلسفه به نظم و بسیاری از کتاب ها. (همان)
۴۸. درگذشت: ۱۳۱۱ ق. ملا حسینقلی همدانی عارف و فقیه شیعی که بگفته سید محسن امین، در میان معاصرانش برای او در علم اخلاق و تهذیب نفوس نظیری نمی توان یافت. وی شاگردان زیادی را تربیت کرد که گفته شده حدود سیصد نفر بوده است که از جمله آنها میرزا جواد ملکی تبریزی، شیخ محمد بهاری، سید احمد کر بلائی، سید محسن امین عاملی، میرزا محمد حسین نائینی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی است. شیوه سلوک ملا حسینقلی مبتنی بر معرفت نفس، التزام به مراقبه و اهتمام ورزیدن در مراتب چهارگانه آن است. آقا بزرگ تهرانی او را بر روش و طریقه سید ابن طاووس دانسته است. (همان)
۴۹. درگذشت: ۱۳۴۳ ق، ۳۱/۳/۱۳۰۴ ش. آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی، فقیه، عارف، استاد اخلاق و صاحب

- کتاب «المراقبات» و «اسرار الصلوة» و از شاگردان ملا حسینقلی همدانی. (همان)
۵۰. درگذشت: ۱۳۲۵/ق/ ۱۲۸۶ ش. آیت الله محمد بهاری همدانی صاحب «تذکره المتقین» و از شاگردان ممتاز ملا حسینقلی همدانی و مدفون در شهر بهار همدان، مرقد وی در میان ۱۶۰ تن از شهدای انقلاب اسلامی زیارتگاه مردم است. (همان)
۵۱. درگذشت: ۱۳۲۵/۱۰/۸ ش. آیت الله سید علی قاضی طباطبایی، فقیه، حکیم و عارف بزرگ شیعه و استاد علامه طباطبائی، آیت الله بهجت و...؛ مدفون در وادی السلام نجف. (همان)
۵۲. درگذشت: ۱۳۷۳/۳/۵ ش. آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی مرجع تقلید و از عرفای شیعه. (همان)
۵۳. درگذشت: ۱۳۲۸ ش. آیت الله محمد علی شاه آبادی فقیه، عارف و فیلسوف شیعی و از اساتید اخلاق و عرفان در حوزه علمیه قم و تهران و استاد امام خمینی علیه السلام و مدفون در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام. (همان)
۵۴. درگذشت: ۱۳۷۹/۶/۲۱ ش. آیت الله میرزا علی احمدی میانجی از فقها و اساتید اخلاق حوزه علمیه قم و شاگرد علامه طباطبائی و دارای تألیفات متعدد و مدفون در حرم حضرت معصومه علیها السلام. (همان)
۵۵. آیت الله علامه حسن زاده آملی فیلسوف و عارف شیعه از شاگردان ممتاز علامه طباطبایی و دارای تألیفات فراوان. (همان)
۵۶. درگذشت: ۱۳۸۶/۵/۱ ش. آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس از عارفان و اساتید اخلاق در تهران و مدفون در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام. (همان)
۵۷. درگذشت: ۵۴۸ ق. تفسیر مجمع البیان از ابوعلی فضل بن حسن طبرسی مفسر بزرگ شیعی. (همان)
۵۸. درگذشت: ۴۶۰ ق. تفسیر تبیان از محمد بن حسن طوسی مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه در ده جلد. (همان)
۵۹. درگذشت: ۱۳۶۰ ش. تفسیر المیزان از علامه سید محمد حسین طباطبائی مفسر، فیلسوف، اصولی، فقیه، عارف و اسلام شناس و مدفون در حرم حضرت معصومه علیها السلام. (همان)
۶۰. درگذشت: ۱۸ صفر ۱۳۰۶ ق. علامه میرحامد حسین هندی صاحب دائرة المعارف بزرگ «عبارات الانوار» که با هدف اثبات امامت و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده است. (همان)
۶۱. مالک اشتر از خواص امیرالمؤمنین علیه السلام. حضرت در مورد او فرموده است: «رحم الله مالکاً فلقد کان لی کما کنت لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» (شرح نهج البلاغه ابن حدید، ج ۲، ص ۲۱۴؛ ج ۱۵، ص ۹۸)
۶۲. مقصود حُجْر بن عدی و مقداد بن اسود از خواص یاران امیرالمؤمنین علیه السلام است که هر دو از قبیله کِنْدَه بودند. البته حُجْر بالاصالة و مقداد بالولاء. (رک: رجال طوسی، ص ۶۰ و ۸۱)
۶۳. درگذشت: ۱۳۴۹/۴/۱۲ ش؛ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۹۰ ق. علامه عبدالحسین امینی فقیه، محدث، متکلم، مورخ نسخه شناس و از علمای بزرگ شیعه و صاحب دائرة المعارف بزرگ «الغدیر» و مدفون در کتابخانه شخصی اش بنام کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام. (همان)
۶۴. درگذشت: ۴ رمضان ۱۴۲۸ ق، ۱۳۸۶/۶/۲۵ ش. علامه سید مرتضی عسکری سیره نگار، مورخ و محقق برجسته شیعی و دارای کتاب های متعدد در دفاع از شیعه از جمله «عبدالله بن سباء». (همان)
۶۵. درگذشت: ۲۷ صفر ۱۴۴۱ ق. علامه سید جعفر مرتضی عالم دینی و متخصص تاریخ اسلام و تشیع و صاحب «الصحيح من سيرة النبي الاعظم» (۳۵ جلد) و «الصحيح من سيرة الامام علي علیه السلام» (۵۳ جلد) و بسیاری کتاب های فاخر دیگر. (همان)

۶۶. آیت الله علامه شیخ عباس صفایی حائری فرزند آیت الله حاج شیخ محمدعلی صفایی حائری و پدر آیت الله حاج شیخ علی صفایی (عین - صاد) از فقها و علمای بزرگ شیعه در قرن معاصر است. نوشته های او در فقه و اصول و رجال و عقاید و تاریخ و... بسیار عمیق و فقیهانه است. کتاب های تاریخی او در شخصیت پیامبر ﷺ (جلد ۳)، امیرالمؤمنین ﷺ (جلد ۲) و سیدالشهدا ﷺ (جلد ۱) که توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده در نوع خود کم نظیر و بسیار عالمانه و تحلیلی است. وی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۴ درگذشت و در قبرستان بقیع قم به خاک سپرده شد. برای آگاهی از زندگی و کتاب های ایشان مراجعه کنید به مقدمه کتاب «افکار و آمال»، آیت الله حاج شیخ عباس صفایی حائری قمی، انتشارات لیلة القدر، قم، ۱۳۹۹ ش.
۶۷. درگذشت: ۱۰۸۱ق. آمنه بیگم یا آمنه خاتون مجلسی، دختر محمدتقی مجلسی و خواهر علامه محمدباقر مجلسی و همسر ملا صالح مازندرانی و از زنان عالمه و فقیهه شیعه است. (همان)
۶۸. درگذشت: ۱۴۰۳ق / ۱۳۶۲ ش. سیده نصرت بیگم امین معروف به بانو امین، فقیه، عارف و مفسر زن شیعه اهل اصفهان، محل دفن او تخت فولاد اصفهان است. (همان)
۶۹. درگذشت: ۳۰۴/۸/۹ ش، ۵ شعبان ۳۱۳ ق. محمد زکریای رازی پزشک، فیلسوف و شیمی دان ایرانی و کاشف الکل، اسید سولفوریک و نفت سفید و دارای آثاری در کیهان شناسی، منطق و ریاضیات در مورد شیعه بودن زکریای رازی. (رک: ویکی پدیا)
۷۰. درگذشت: ۵۳۱ق. اسماعیل بن حسین جرجانی، پزشک بزرگ شیعه و نویسنده ایرانی، قرن ۵ و ۶ که آثار پزشکی مهمی به زبان فارسی تألیف کرد. مهم ترین اثر او «ذخیره خوارزمشاهی» است. این دائرةالمعارف بزرگ طبی از کتب پایه و جامع در پزشکی سنتی امروز است. این کتاب دارای ۷۵ باب و ۱۱۰۷ فصل و ۷۵۰۰۰۰ واژه در نه کتاب و یک تنمه است. (همان)
۷۱. درگذشت: ۴۱۶ق. در مورد شیعه دوازده امامی بودن فردوسی رک: (همان)
۷۲. درگذشت: ۵۲۵ یا ۵۳۵ یا ۵۴۵ق. سنائی در برخی از اشعارش از اهل بیت سخن گفته و آنان را مدح کرده است؛ از این رو برخی او را شیعه دانسته اند. مدرس تبریزی در «ریحانة الادب» و شیخ عباس قمی در «الکنی و الالقب» و افندی در «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء» او را شیعه می دانند که تقیه می کرده است. سنائی در اشعاری که مذهب خود را بیان می کند امام علی ﷺ را مدینه العلم خوانده و از غضب حق فاطمه زهرا ﷺ (ماجرای فدک) سخن گفته و به حدیث ثقلین اشاره کرده و اعتقاد به مذهب جعفری را لازم دانسته است. قدیمی ترین قصیده فارسی موجود در مدح امام رضا ﷺ متعلق به سنایی است. مولوی، سنایی را حکیم نامیده و از او تأثیر پذیرفته است. (همان)
۷۳. درگذشت: ۵۷۵ق. انوری در مدرسه منصوریه طوس علوم عقلی و نقلی را آموخت و در علوم گوناگون به کمال رسید. افزون بر آن در حکمت، فلسفه و ریاضیات نیز سرآمد دوران شد. (رک: سایت مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی). مذهب انوری به گفته قاضی نورالله شوشتری و برخی دیگر، شیعه دوازده امامی است. (همان)
۷۴. درگذشت: ۶۱۴ق. در مورد شیعه بودن نظامی، مولوی، حافظ، سعدی، جامی رک: سایت حوزه نیوز (خبرگزاری رسمی حوزه) مصاحبه با دکتر ولایتی، ۱۴۰۰/۶/۱۸ و نیز برخی دیگر از سایت ها و مقالات معتبر.
۷۵. درگذشت: ۶۲۷ق. اشعار او در مدح حضرت علی ﷺ و اهل بیت ﷺ موجب شده کسانی وی را شیعه بدانند (فاضلی، اندیشه های عطار، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۳۱) تا جایی که قاضی نورالله شوشتری، عطار را شیعه ای خالص

دانسته است. (فروزانفر، شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، ۱۳۵۳ ش، ص ۵۷)
(همان)

۷۶. درگذشت: ۶۷۲ ق.

۷۷. برای اطلاع از دلایل اینکه شمس تبریزی در اشعار مولوی همان امام زمان علیه السلام است. (رک: شمس در اشعار مولانا، آیت الله محسن اراکی، کیهان فرهنگی، شماره‌های ۱۹۲-۱۹۳، مهر و آبان ۱۳۸۱)

۷۸. درگذشت: ۶۹۰ ق.

۷۹. درگذشت: ۷۶۹ ق.

۸۰. درگذشت: ۸۹۸ ق.

۸۱. درگذشت: ۹۹۶ ق.

۸۲. درگذشت: ۱۳۳۲ ق.

۸۳. درگذشت: ۱۳۶۱ ق. «مفتقر» تخلص شعری آیت الله محمدحسین غروی اصفهانی، فقیه، حکیم، عارف، شاعر و از علماء و مجتهدان بنام شیعه و استوانه‌های اصولی آن است. دیوان او در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام مشهور است. (همان)

۸۴. درگذشت: ۱۳۶۷/۶/۲۷.

۸۵. درگذشت: ۱۳۸۶/۵/۲۹، «شفق» تخلص شعری آیت الله محمدحسین بهجتی اردکانی از شاگردان امام خمینی علیه السلام و امام جمعه اردکان یزد و از نخستین شاعران انقلاب اسلامی. شعر معروف «هرچه که بیند دیده / خدایش آفریده» در کتاب‌های دبستانی، سروده اوست (رک: ویکی فقه). لازم به ذکر است که «شفق» تخلص شاعر بزرگ آئینی معاصر خراسان استاد محمدجواد غفورزاده نیز هست. اما از آنجا که این منظومه به شعرای روحانی و یا دارای سابقه تحصیل در حوزه پرداخته از آوردن ایشان اجتناب شد.

۸۶. دیباچه: روی و رخساره (فرهنگ عمید).

۸۷. میثم تخلص شاعر آئینی معاصر غلامرضا سازگار است.

۸۸. درگذشت: ۱۳۰۰/۹/۱۱. میرزا یونس مشهور به میرزا کوچک خان جنگلی یا سردار جنگل، رهبر جنبش جنگل. وی در حوزه‌های رشت و تهران درس خواند و بنا بر نقل رضا مظفری در کتاب «مشاهیر گیلان» او در آستانه نیل به مقام اجتهاد بود که تحولات ایران آن زمان مسیر زندگی اش را تغییر داد. (همان)

۸۹. شهید آیت الله شیخ فضل الله نوری، شهادت (اعدام): ۱۲۸۸/۵/۹.

۹۰. شهادت: ۷۴۳ ق. عالم مبارز حسن جویری معروف به شیخ حسن جویری یکی از رهبران روحانی قیام سرداران در سده هشتم هجری در منطقه خراسان و از شاگردان خلیفه مازندرانی. مبانی اندیشه وی باور به تشیع دوازده امامی، و جهان بینی مهدویت، جدایی ناپذیری دین و مبارزه با ظلم و ستم بود. او به ایران و مردمان ایران خدمت بسیار بزرگی کرد و دست مغولان را پس از ۱۲۰ سال از بخش‌های شرقی و مرکزی از ایران کوتاه کرد و اولین حکومت مردمی شیعه دوازده امامی را در سبزوار پایه گذاری کرد. او زاده روستای جور از توابع نیشابور بود و مدت هفت تا هشت سال در مدارس زادگاه خویش به تحصیل علوم دینی پرداخت و سپس برای آگاهی از حقیقت، آموزه‌های ائمه فرق را فرا گرفت و از اختلاف نظرها و اعتقادات آنان آگاه شد و به مقام استادی رسید. (همان)

۹۱. درگذشت: ۱۳۰۳ ش. آیت الله سید عبدالحسین لاری از فقهای شیعه در منطقه فارس و طرفدار مشروطه مشروعه و صاحب حکم جهاد بر علیه انگلیسی‌ها. وی در منطقه لارستان، اقتدار منطقه را بدست گرفت و حکومت

- اسلامی تشکیل داد و احکام اسلامی را اجرا کرد. او امر به معروف و نماز جمعه را واجب عینی می دانست و خود نماز جمعه اقامه می کرد. وی از شاگردان ملا حسینقلی همدانی و میرزای شیرازی بود. (همان)
۹۲. شهادت: ۱۳۱۶ ش. آیت الله سیدحسن مدرس فقیه و سیاستمدار شیعی که بدستور رضا خان تبعید و به شهادت رسید. روز شهادت او (۱۰ آذر) روز مجلس نامگذاری شده است. (همان)
۹۳. شهید حجت الاسلام سیدمجتبی نواب صفوی، شهادت: ۱۳۳۴/۱۰/۲۷.
۹۴. درگذشت: ۱۳۴۰ ش. سیدابوالقاسم کاشانی فقیه و مبارز سیاسی، اجتماعی دهه ۲۰ که به همراه محمد مصدق، نفت ایران را ملی کرد. (همان)
۹۵. شهید آیت الله سید محمدرضا سعیدی، شهادت: ۱۳۴۹/۳/۲۰.
۹۶. شهید آیت الله حسین غفاری، شهادت: ۱۳۵۳/۱۰/۶.
۹۷. شهید آیت الله سیدمصطفی خمینی، شهادت: ۱۳۵۶/۸/۱.
۹۸. واعظ معروف و دل داده امام زمان علیه السلام حاج شیخ احمد کافی، درگذشت: ۱۳۵۷/۴/۳۰.
۹۹. شهید حجت الاسلام سیدعلی اندرزگو، شهادت: ۱۳۵۷/۶/۲.
۱۰۰. درگذشت: ۱۳۷۷/۹/۲۷ ش. محمدتقی فلسفی سخنران و خطیب برجسته و مؤلف کتاب های گرانسنگ و برادر بزرگ استاد بزرگ حوزه علمیه مشهد حضرت آیت الله علی فلسفی.
۱۰۱. عاصم: نگهدارنده، حفظ کننده از بدی ها، بازدارنده از لغزش و خطا (فرهنگ معین).
۱۰۲. قاصم: درهم شکننده، هلاک کننده. (همان)
۱۰۳. شهید آیت الله مرتضی مطهری، شهادت: ۱۳۵۸/۲/۱۱.
۱۰۴. آیت الله سید محمود طالقانی، درگذشت: ۱۳۵۸/۶/۹ (صاحب تفسیر پرتوی از قرآن).
۱۰۵. آغاز جنگ تحمیلی: ۱۳۵۹/۶/۶.
۱۰۶. شهید حسین فهمیده، شهادت: ۱۳۵۹/۸/۸ (۱۳ ساله).
۱۰۷. شهید سرلشکر علی اکبر شیرودی (از فرماندهان هوانیروز)، شهادت: ۱۳۶۰/۲/۸.
۱۰۸. شهید احمد کشوری (سرگرد خلبان بالگرد جنگنده بل ۲۰۶- آجت رنجر و بل ای اچ ۱- کبرا هوانیروز)، شهادت: ۱۳۵۹/۹/۱۵.
۱۰۹. از نام های بهشت است.
۱۱۰. شهید دکتر مصطفی چمران، شهادت: ۱۳۶۰/۳/۳۱.
۱۱۱. شهید آیت الله سیدمحمد بهشتی، شهادت: ۱۳۶۰/۴/۷ (در پی انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی).
۱۱۲. شهید آیت الله سید عبدالکریم هاشمی نژاد، شهادت: ۱۳۶۰/۷/۷ (در مشهد بدست منافقین کوردل).
۱۱۳. شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب، شهادت: ۱۳۶۰/۱۰/۲۰.
۱۱۴. شهید آیت الله عطاءالله اشرفی اصفهانی، شهادت: ۱۳۶۱/۷/۲۳.
۱۱۵. شهید آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبائی، شهادت: ۱۳۵۸/۸/۱.
۱۱۶. شهید آیت الله سید اسدالله مدنی، شهادت: ۱۳۶۰/۶/۲۱.
۱۱۷. شهید آیت الله محمد صدوقی، شهادت: ۱۳۶۱/۴/۱۱.
۱۱۸. شهید محمدعلی رجایی، شهادت: ۱۳۶۰/۶/۸.
۱۱۹. شهید محمد جهان آرا، شهادت: ۱۳۶۰/۷/۷ (۲۷ ساله).

۱۲۰. شهید محمد بروجردی، شهادت: ۱۳۶۲/۳/۱.
۱۲۱. شهید ابراهیم هادی، شهادت: ۱۳۶۱/۱۱/۲۲.
۱۲۲. شهید محمد ابراهیم همت، شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۷.
۱۲۳. شهید حسن باقری، شهادت: ۱۳۶۱/۱۱/۹ (۲۶ ساله).
۱۲۴. شهید حسین خرازی، شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۸.
۱۲۵. شهید عبدالحسین برونسی، شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ (در عملیات بدر).
۱۲۶. شهید مهدی باقری، شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۵ (جزیره مجنون).
۱۲۷. شهید عباس بابایی، شهادت: ۱۳۶۶/۵/۱۵.
۱۲۸. شهید منصور ستاری، شهادت: ۱۳۷۳/۱۰/۱۵.
۱۲۹. سید آزادگان حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر ابوترابی فرد، درگذشت: ۱۳۷۹/۳/۱۲ (وی در سال ۱۳۶۹ پس از ده سال اسارت همراه با دیگر آزادگان سرافراز به میهن اسلامی بازگشت و در همان سال با حکم رهبر معظم انقلاب نماینده ولی فقیه در امور آزادگان شد. آن مجاهد خستگی ناپذیر در مسیر زیارت حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به همراه پدر بزرگوارش آیت الله سید عباس ابوترابی فرد بر اثر سانحه رانندگی هردو جان به جان آفرین تسلیم کردند و در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا علیه السلام حجره ۲۴ به خاک سپرده شدند).
۱۳۰. سید مرتضی آوینی، درگذشت: ۱۳۷۲/۱/۲۰ (بعثت برخوردار ترکش مین در فکه خوزستان).
۱۳۱. شهید حسن تهرانی مقدم، شهادت: ۱۳۹۰/۸/۲۱ (شهید هسته ای).
۱۳۲. شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، شهادت: ۱۳۷۸/۱/۲۱ (فرمانده نیروی زمینی ارتش).
۱۳۳. شهید محسن حججی، شهادت: ۱۳۹۶/۵/۱۸ «۲۶ ساله» (از نیروهای ایرانی مدافع حرم در گذرگاه مرزی الولید سوریه توسط نیروهای داعش به اسارت درآمد و پس از دوازده روز به دست آنان سراز بدنش جدا شد و به شهادت رسید).
۱۳۴. شهیده سیده آمنه بنت الهدی صدر؛ خواهر شهید محمد باقر صدر، متفکر، نویسنده، شاعر، معلم فقه و اخلاق، شهادت: ۱۳۵۹/۱/۱۹ (در عراق به همراه برادرش شهید آیت الله محمد باقر صدر بر اثر شکنجه به دستور صدام).
۱۳۵. شهید آیت الله محمد باقر صدر، شهادت: ۱۳۵۹/۱/۱۹ (این شهید بزرگوار در مورد امام راحل فرموده بود: «ذوبوا فی الامام الخمینی کما ذاب هوی الاسلام؛ ذوب شوید در خمینی همان گونه که او در اسلام ذوب شده است» رک: سایت الف «شهید صدر درباره امام خمینی علیه السلام چه گفت؟»).
۱۳۶. شهید آیت الله سید محمد باقر حکیم، شهادت: ۱۳۸۲/۶/۷ (بر اثر یک انفجار تروریستی در نجف).
۱۳۷. آیت الله علی صفائی حائری، درگذشت: ۱۳۷۸/۴/۲۲ (در ۴۸ سالگی در راه زیارت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام).
۱۳۸. صدّ: اعراض شدید، مانع بودن، جلوگیری بودن. صاد: روی گرداننده، اعراض کننده شدید. مقصود از «عین صاد» شیخنا الاستاد آیت الله علی صفائی حائری است که هم ابتدای نام و فامیل ایشان و هم به معنای چشم پاسدار و جلوگیری از التقاط است؛ التقاط اسلام با غیر اسلام و التقاط اسلام حتی با اندیشه مسلمین. این اندیشمند گرانمایه بین اسلام با اندیشه مسلمین تفاوت قائل بود و فلسفه، عرفان، تربیت، اخلاق و... اسلامی را با فلسفه، عرفان و... مسلمین درهم نمی آمیخت و بین آنها تمایز می گذاشت. (رک: صفائی حائری، علی،

- انسان در دو فصل، ص ۷ و ۵۵؛ حرکت، ص ۹۷؛ یادنامه، ص ۴۰؛ نقدی بر هرمنوتیک، ص ۱۶)
۱۳۹. درگذشت: ۱۳۹۵/۸/۲۷. (همان)
۱۴۰. شیخنا الاستاد آیت الله محمد مؤمن قمی، درگذشت: ۱۳۹۷/۱۲/۲.
۱۴۱. شهید قاسم سلیمانی، شهادت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ (فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در هنگام خروج از فرودگاه بین المللی بغداد به دستور ترامپ رئیس جمهور وقت امریکا مورد حمله موشک پهپاد نظامی ارتش امریکا قرار گرفت و به شهادت رسید. تشییع جنازه این شهید عزیز پس از تشییع امام راحل بی نظیر بود). لازم به ذکر است که این بیت را در مکه و در زمان حیات این شهید بزرگوار گفته بودم و پس از شهادت بیت دوم را بر آن افزودم.
۱۴۲. شهید ابومهدی المهندس، شهادت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ ش (از فرماندهان حشد الشعبی که به همراه شهید قاسم سلیمانی در فرودگاه بین المللی بغداد بدستور ترامپ رئیس جمهور وقت امریکا، توسط مأموران آمریکایی به شهادت رسید).
۱۴۳. فرمانده سپاه قدس و جانشین شهید حاج قاسم سلیمانی.
۱۴۴. شهید محسن فخری زاده، شهادت: ۱۳۹۹/۹/۷ ش (معاون وزیر دفاع و از سرداران سپاه پاسداران و رئیس سازمان پژوهش های نوین دفاعی که توسط اسرائیل ترور شد).
۱۴۵. آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، درگذشت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲ ش. رهبر معظم انقلاب در بخشی از پیام تسلیت خود نسبت به درگذشت این عالم ربانی و استاد بزرگ حوزه چنین می فرماید: «... ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویائی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند. خدمات ایشان در تولید اندیشه دینی و نگارش کتب راهگشا، و در تربیت شاگردان ممتاز اثرگذار، و در حضور انقلابی در همه میدان هایی که احساس نیاز به حضور ایشان می شد، حقاً و انصافاً کم نظیر است. پارسائی و پرهیزگاری خصلت همیشگی ایشان از دوران جوانی تا آخر عمر بود و توفیق سلوک در طریق معرفت توحیدی، پاداش بزرگ الهی به این مجاهد بلندمدت است...».
۱۴۶. درگذشت: ۱۴۰۰/۵/۳۱. رهبر معظم انقلاب دامت برکاته در قسمتی از پیام خود بمناسبت درگذشت این دانشمند متفکر چنین آورده اند: «... ایشان دانشمندی جامع، و ادیبی چیره دست، و اندیشه ورزی نوآور، و اسلام شناسی عدالتخواه بودند. ایشان عمر را فارغ از آرایه ها و پیرایه های مادی، در خدمت معارف والای قرآن و سنت گذرانده و آثاری ارزشمند از خود به جا نهادند. بهره گیری از محضر پرفیض و نفس گرم استادان معرفت و معنویت در مشهد مقدس، ذخیره ای از توکل و تعبد و غنای نفس در دل و جان این شخصیت عزیز به جا نهاده بود که تا آخر عمر با برکتش وی را استوار می داشت...».
۱۴۷. سرلشکر دکتر سید حسین فیروزآبادی، درگذشت: ۱۴۰۰/۶/۱۲. در آخرین فرصت انتشار این شعر (در نوبت چاپ مجله) خبردار شدم که برادر عزیز و صدیق قدیمی، سردار بسیجی عبد صالح خدا دکتر فیروزآبادی به دیدار حق شتافت. بیش از چهار دهه و از دوران زلزله طبس این برادر را می شناختم. حقیقتاً مدیری توانمند، باهوش، متدین، متواضع، باوفا و بسیار مهربان بود. او فانی در رهبری و نظام بود و به آنها عشق می ورزید. خار چشم دشمنان بود به همین خاطر برخی تلاش کردند چهره این مرد بزرگ و توانمند نظام را با شایعات بی اساس و تهمت های ناروا (همچون ویلای لواسان) خراب کنند غافل از اینکه خورشید هرگز پشت ابرپنهان نمی ماند که «ان الله يدافع عن الذين آمنوا» خدا رحمتش کند و در کنار هم زمانش شهدای انقلاب و امام شهدا (امام راحل) قرار دهد و با حسین علیه السلام و یارانش محشور فرماید. آمین، آمین؛ رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیتی بمناسبت

درگذشت این یار دیرینه خود چنین فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم درگذشت همکار دیرین اینجانب، سرلشگر جناب آقای دکتر سیدحسن فیروزآبادی رحمه الله علیه را به همسرگرامی و فرزندان محترم و دیگر بازماندگان تسلیت عرض می‌کنم. عمری مجاهدت ارزشمند، از تلاش‌های مبارزاتی دوران دانشجویی در مشهد، تا فعالیت‌های متنوع و گسترده در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در عرصه‌های مهم مانند جهاد سازندگی و مجموعه‌های وابسته به شورای عالی دفاع، و بویژه خدمات طولانی مدت در رأس ستاد کل نیروهای مسلح و سرانجام عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، ذخیره معنوی و توشه اخروی این برادر پرتلاش و خیرخواه است. روح تعبد و تدین و صدق و ثبات در پابندی به ایمان و عمل انقلابی، امتیاز بزرگ دیگری است که همواره با این برادر گرامی همراه بود. این خصوصیات برجسته مایه رحمت و رضوان الهی برای ایشان خواهد بود ان شاء الله. مغفرت الهی برای وی و آرامش و بردباری برای بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم. سیدعلی خامنه‌ای ۱۴۰۰/۶/۱۲».

۱۴۸. درگذشت: ۱۴۰۰/۶/۱۹. از فعالان سیاسی - اجتماعی و ارکان مبارزاتی مشهد. رهبر معظم انقلاب در پیامی بمناسبت درگذشت این دوست مبارز دیرینه خود خطاب به خلف صالح او دانشمند متفکر و انقلابی، استاد حسن رحیم پورازغدی چنین مرقوم فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم جناب آقای حسن رحیم پورازغدی، دانشمند متفکر، دام بقائه درگذشت پدر گرامی آن جناب، مرحوم آقای حاج حیدر آقارحیم پور رحمه الله علیه را به شما و والده گرامی و دیگر بازماندگان محترم و همه دوستان و همفکران آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم. سال‌های متمادی تلاش صادقانه برخاسته از غیرت دینی و انگیزه تحقق احکام و معارف اسلامی، نمایشگر بخش مهم زندگی آن مرحوم است و این موجب رضا و رحمت الهی و علو درجات اخروی ایشان خواهد بود ان شاء الله. دوام توفیقات جنابعالی را از خداوند متعال مسألت می‌کنم. سیدعلی خامنه‌ای، ۱۹ شهریور ۱۴۰۰».

۱۴۹. اشاره است به کلام مولی امیرالمؤمنین علیه السلام به همام در ویژگی‌های متقین (نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۹۳ صبحی صالح)؛ لازم به ذکر است در برخی از نسخه‌ها به جای متقین، «شیعه» آمده است. (بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۹۳)

۱۵۰. مقصود هارون مکی است که به اشارت حضرت صادق علیه السلام به درون تنور افروخته رفت. (بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳)

۱۵۱. تخلص شعری مقام معظم رهبری (دامت برکاته).

۱۵۲. این تعبیر را وام‌دار شیخنا الاستاد مرحوم حاج شیخ علی صفائی حائری هستم و اولین بار از ایشان شنیدم. استاد پس از درگذشت امام راحل و رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (دامت برکاته) در جمعی از دوستان و شاگردان خود که این حقیر نیز توفیق حضور داشتم، گفتند: خدا به این ملت پس از روح الله، روح الامین عنایت کرد.

۱۵۳. فراز پنجم این منظومه و نیز برخی از ابیات از جمله آنچه که در مورد مرحوم آیت الله مصباح یزدی و شهیدان؛ قاسم سلیمانی (البته بیت دوم: یا چو اکبر مصحفی...) و یار همراه او ابومهدی المهندس و یا شهید هسته‌ای محسن فخری زاده و... آمده، بعدها و پس از درگذشت یا شهادت آن عزیزان از باب ادای دین، به این مجموعه افزوده شد و این منظومه، مفتخر و متبرک به نام آن بزرگان گردید. اللهم ارزقنا الشهادة والحشر معهم، آمین آمین.